

روستا و توسعه، سال ۲۲، شماره ۸۷، پاییز ۱۳۹۸

DOI: 10.30490/RVT.2020.253625.0

## ارزیابی مکان‌یابی کانون‌های اسکان عشایر با استفاده از مدل تاپسیس: مطالعه موردی استان چهارمحال و بختیاری

پژمان رضایی<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۸/۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۹/۱

### چکیده

در تحقیق کاربردی حاضر، مکان‌یابی اسکان عشایر در کانون‌های عشایر استان چهارمحال و بختیاری با استفاده از مدل تاپسیس (TOPSIS) به روش توصیفی-تحلیلی صورت گرفت. جامعه آماری تحقیق ۱۵۰۰ خانوار ساکن در ۲۲ کانون عشایری این استان شامل ۳۰۶ نمونه بود. ارزیابی اسکان با استفاده از ۳۱ شاخص در سال ۱۳۹۵ انجام شد. بر اساس نتایج تحقیق، از مجموع ۲۲ کانون استان، امتیاز شش کانون بالا (۰/۶ تا یک)، هفت کانون متوسط (۰/۴ تا

---

۱. استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه یزد، یزد، ایران.  
(p\_rezaee@yazd.ac.ir)

۱. استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

۰/۵۹۹) و نه کانون ضعیف (صفر تا ۰/۳۹۹) بود؛ همچنین، در بین ابعاد مورد بررسی، بدترین وضعیت به ابعاد اقتصادی و زیست‌محیطی اختصاص داشت. بر این اساس، مکان‌یابی موفق کانون‌های جدید و پایداری کانون‌های موجود مستلزم توجه به تمامی ابعاد توسعه به صورت یکپارچه است.

**کلیدواژه‌ها:** عشایر، کانون‌های اسکان هدایتی، کانون‌های اسکان خودجوش، مدل تاپسیس (TOPSIS)، چهارمحال و بختیاری (استان).

#### مقدمه

شیوه زندگی عشایری توأم با کوچندگی یکی از اولین اشکال حیات اجتماعی است که از واپسین دوران شکل‌گیری زندگی اجتماعی انسان آغاز شده و با پشت سر گذاشتن سلسله فراز و فرودهای تاریخی تا به امروز استمرار یافته است. همزیستی و تعامل با محیط زیست و کوشش مداوم برای انطباق و سازگاری این شیوه زندگی با شرایط و مقتضیات اقلیمی - جغرافیایی هر منطقه باعث شده است که در بین گروه‌های عشایری، زندگی و معیشت، نظام کوچ و استقرار و بهره‌برداری از منابع محیطی اشکال مختلف به خود گیرد (Nomads Affairs Organization of Iran, 2005b). هرچند، جمعیت عشایر کشور، از سال ۱۲۴۵ تا ۱۳۸۷، از نظر سهم آن در کل کشور در حال کاهش بوده<sup>۲</sup>، اما تعداد مطلق جمعیت روندی نسبتاً ثابت داشته است<sup>۳</sup> (Rezaei, 2016). علی‌رغم کاهش سهم جمعیت عشایر کشور، این جامعه همچنان نقش مهمی در تولید کشور دارد. در اختیار داشتن ۲۸ درصد از دام سبک

۲. سهم عشایر از کل جمعیت کشور در سال ۱۲۴۵ بیش از ۶/۳۸ درصد و در سال ۱۳۸۷ (آخرین دوره سرشماری عشایر کوچنده کشور)، ۱/۶۸ درصد بوده است.

۳. جمعیت عشایر کشور در سال ۱۲۴۵ بیش از یک میلیون و هفتصد هزار نفر و در سال ۱۳۸۷، یک میلیون و صد و هشتاد و شش هزار نفر بوده است.

ارزیابی مکان‌یابی کانون‌های اسکان عشایر با....

و تولید بیست درصد از گوشت قرمز کشور، تولید ۳۵ درصد از صنایع دستی کشور که بیشتر جنبه میراث فرهنگی و هویتی دارد، مالکیت ۵۶۰ هزار هکتار از اراضی کشاورزی (آبی و دیم) و به‌ویژه استقرار در ۹۶۳ هزار کیلومتر مربع از فضای جغرافیایی کشور از جمله ظرفیت‌های جامعه عشایری ایران به‌شمار می‌آید (Nomads Affairs Organization of Iran, 2005a). بر این اساس، نوع برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در ارتباط با جامعه عشایر می‌تواند بر ساختار اجتماعی و یا نقش آنها در اقتصاد ملی تأثیرگذار باشد. یکی از سیاست‌های قابل توجه در ارتباط با این جامعه سیاست اسکان عشایر بوده که در نتیجه آن، ۹۷۲ کانون عشایری در مناطق مختلف کشور شکل گرفته است؛ از این تعداد، ۷۲۸ کانون خودجوش و ۲۴۴ کانون هدایتی بوده است<sup>۴</sup> (Nomads Affairs Organization of Iran, 2006). استان چهارمحال و بختیاری نیز به‌عنوان یکی از مناطق مهم عشایری کشور از این سیاست به‌دور نمانده و از سال ۱۳۱۲ تاکنون، ۲۲ کانون عشایری در آن ایجاد شده است (هفت کانون هدایتی و پانزده کانون خودجوش)، که سهم آن از کل کانون‌های کشور ۲/۳ درصد است (Nomad Board of Chaharmahal and Bakhtiari Province, 2015). مکان‌یابی مناسب کانون‌های اسکان عشایر از نکات قابل توجه در اسکان آنهاست. استقرار در زیست‌بوم‌های عشایری، دسترسی مناسب به زیرساخت‌ها، حفظ توان تولیدکنندگی جامعه عشایر و برخورداری از زیرساخت‌های تولیدی، حفظ هویت اجتماعی و فرهنگی و... از جمله مصداق‌های مکان‌یابی کانون‌های اسکان عشایر به‌شمار می‌روند.

با توجه به آنچه گفته شد، تحقیق حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به سؤالات زیر است:

---

۴. کانون اسکان هدایتی کانونی است که دولت از فرآیند شناسایی محل مورد نظر برای کانون تا شناسایی خانوارهای مایل به اسکان، تجهیز کانون، ایجاد اشتغال و... حضوری گسترده دارد. اما در کانون خودجوش که از سوی خود عشایر مکان‌یابی شده، نقش و حضور دولت کمتر است؛ و دولت بیشتر خدمات‌رسانی برای کانون را بر عهده دارد (Mahdavi et al., 2009).

- مکان‌یابی کانون‌های اسکان عشایر استان چهارمحال و بختیاری براساس چه معیارهایی است؟

- آیا تفاوتی بین مکان‌یابی کانون‌های خودجوش و هدایتی وجود دارد؟

- عملکرد کانون‌های خودجوش و هدایتی چگونه است؟

- آیا کانون‌های اسکان از شرایط پایدار اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی برخوردارند؟

بدیهی است که با شناخت نقاط قوت و ضعف کانون‌های اسکان عشایر در استان چهارمحال و بختیاری و آسیب‌شناسی آن می‌توان از یک سو، به بهبود وضعیت کانون‌های موجود همت گماشت و از سوی دیگر، راهکارهای لازم را برای مکان‌یابی کانون‌های جدید در آینده فراهم آورد.

تاکنون در خصوص ارزیابی مکان‌یابی به‌طور اعم تحقیقات گوناگون انجام شده که نتایج پاره‌ای از آنها در پیشینه تحقیق آمده است. اما در خصوص ارزیابی مکان‌یابی کانون‌های اسکان عشایر به‌طور اخص، تاکنون چندان مطالعه‌ای صورت نگرفته و بیشتر به ارزیابی اثرات اقتصادی و اجتماعی در کانون‌های اسکان پرداخته شده است. برای نمونه، سازمان امور عشایر کشور در سال ۱۳۹۰ به ارزیابی اثرات اقتصادی و اجتماعی اسکان در شصت کانون عشایری کشور در ۲۲ استان پرداخته و نتایج آن نشان داده است که اسکان باعث بهبود شاخص‌های کالبدی (دسترسی به راه آسفالت، برخورداری از خدمات آموزشی، بهداشتی، درمانی و...) شده اما از نظر شاخص‌های اقتصادی (درآمد و هزینه خانوار، نسبت‌های اشتغال و بیکاری و...) و زیست‌محیطی (از بین رفتن مراتع، تخریب جنگل‌ها و...)، تأثیرات نامطلوب بر جای گذاشته است (Nomadism Affairs Organization of Iran, 2011).

### مبانی نظری و پیشینه تحقیق

اسکان عشایر آغازی برای یک تحول بنیادین در ساختار اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه عشایر به حساب می‌آید و در این زمینه، می‌توان برای جامعه عشایر به‌ویژه در حوزه اسکان عشایر دیدگاه‌های گوناگون را در نظر گرفت (Mahdavi et al., 2007). از مهم‌ترین دیدگاه‌های مورد توجه عبارت‌اند از «دیدگاه تغییرات اجتماعی»، «دیدگاه نوسازی»، «دیدگاه‌های با تأکید بر شهرنشینی، مهاجرت و یکجانشینی»، «دیدگاه‌های اجتماعی معطوف به عدالت اجتماعی و فقرزدایی»، «دیدگاه‌های زیست‌محیطی و سرانجام»، «دیدگاه توسعه پایدار و توسعه همه‌جانبه» (Mahdavi et al., 2009). شرحی بر این دیدگاه‌ها و تأثیر آنها در جامعه عشایر در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱- دیدگاه‌ها و نظریه‌های اثرگذار بر سامان‌دهی و اسکان عشایر

دیدگاه	توسعه	مناظر از	اثر بر جامعه عشایر
نوسازی و مدرنیته و شهرنشینی	توسعه	توسعه	شهرنشینی عامل توسعه‌یافتگی و به عبارتی، توسعه‌یافتگی مترادف با شهرنشینی مطرح شد (Azkia, 2005)؛ از این رو، جامعه عشایری مانع شکل‌گیری جامعه نوین دانسته شد. این دیدگاه نوسازی را دگرگونی «کامل» جامعه سنتی یا پیشانیون و پیوند آن به جهان نوین و پیشرفته می‌داند (Moor, 1965). همچنین، نوسازی فرآیندی مستمر، مداوم و جامع است که بر جنبه‌های مختلف زندگی اثر می‌گذارد (Abraham, 1998). بر اساس این مکتب، جامعه عشایر با شرایط کوچ نمی‌تواند به توسعه دست یابد. اسکان عشایر منجر به آموزش بهتر، اقتصاد بهتر، بهداشت بهتر و.. می‌شود (Azkia and Ghaffaree, 1998). در ایران، نفوذ این تفکر همزمان با دوران پهلوی بوده و نتیجه آن اسکان اجباری و تخته‌قاپو عشایر بود و باعث درهم‌ریختن ساختار روستا و عشایر شد.
یکجانشینی	توسعه	توسعه	جوامع متحرک از جمله عشایر امکان کمتری در دسترسی به خدمات مختلف اجتماعی دارند و تداوم این روند منجر به عقب‌ماندگی و فاصله گرفتن سطح زندگی با جوامع یکجانشین خواهد شد (Tavakoli, 2004).

اثر بر جامعه عشایر	متأثر از الگوی توسعه	دیدگاه
<p>جهت‌گیری این دیدگاه بر نیازهای اساسی، کاهش فقر و توجه به گروه‌های هدف بود. در این دیدگاه، تلاش می‌شود افراد فقیر به حداقل نیازهای خود دسترسی پیدا کنند (Ravallion, 1998). با پیروزی انقلاب اسلامی و تغییر نظام ارزشی جامعه و تأکید بر محرومیت‌زدایی و توجه به فقیران، جامعه عشایر نیز مورد توجه قرار گرفت. بر اساس این راهبرد، برای اینکه عشایر بتوانند از امکانات آموزشی و بهداشتی بهتر برخوردار باشند، باید اسکان داده شوند.</p>	<p>نشدن نیازهای اساسی</p>	<p>عدالت اجتماعی</p>
<p>تغییر اجتماعی عبارت است از کوشش‌های عمومی، آگاهانه و یک‌دست سازمان‌های ایجاد تغییر برای بهبود عملکرد نظام‌های اجتماعی (Vagi, 1993). در این دیدگاه، اسکان عشایر برای ارتقای سطح توسعه در تمامی ابعاد مورد توجه است، چراکه در شرایط امروزی ایران و جهان، جامعه عشایری در چمبره نظام ایلی توان (پتانسیل) توسعه خود را از دست داده است، و هرگونه تلاش در راستای حفظ و بقای آن مستلزم تداوم عقب‌ماندگی و تحمیل هزینه‌های مادی و معنوی روزافزون بر مردم به‌ویژه زنان و کودکان محروم از آزادی و حقوق مدنی است (Abdollahi, 2007).</p>	<p>کلاسیک و معاصر</p>	<p>تغییرات اجتماعی</p>
<p>در نگرش سیستمی به مهاجرت، از یک سو، بر اساس دیدگاه وابستگی، عقب ماندن جامعه عشایری از جرگه توسعه و شکاف بین این جامعه و جوامع یکجانشین و از سوی دیگر، نوسازی‌های شکل‌گرفته در جوامع یکجانشین به‌مثابه جاذبه در کالون توجه بوده است (Lahsaeizadeh, 1989). بر اساس این دیدگاه، آنچه تمایل عشایر به اسکان و مهاجرت آنها را فراهم کرده، از یک سو، جاذبه‌های جوامع شهری و از سوی دیگر، عدم توسعه جامعه عشایری کشور در ابعاد اقتصادی، اجتماعی محیطی و... در مقایسه با سکونتگاه‌های شهری و روستایی است. از این رو، برنامه‌ریزی اسکان عشایر برای توسعه ضروری است.</p>	<p>سیستمی</p>	<p>مهاجرت</p>

ارزیابی مکان‌یابی کانون‌های اسکان عشایر با....

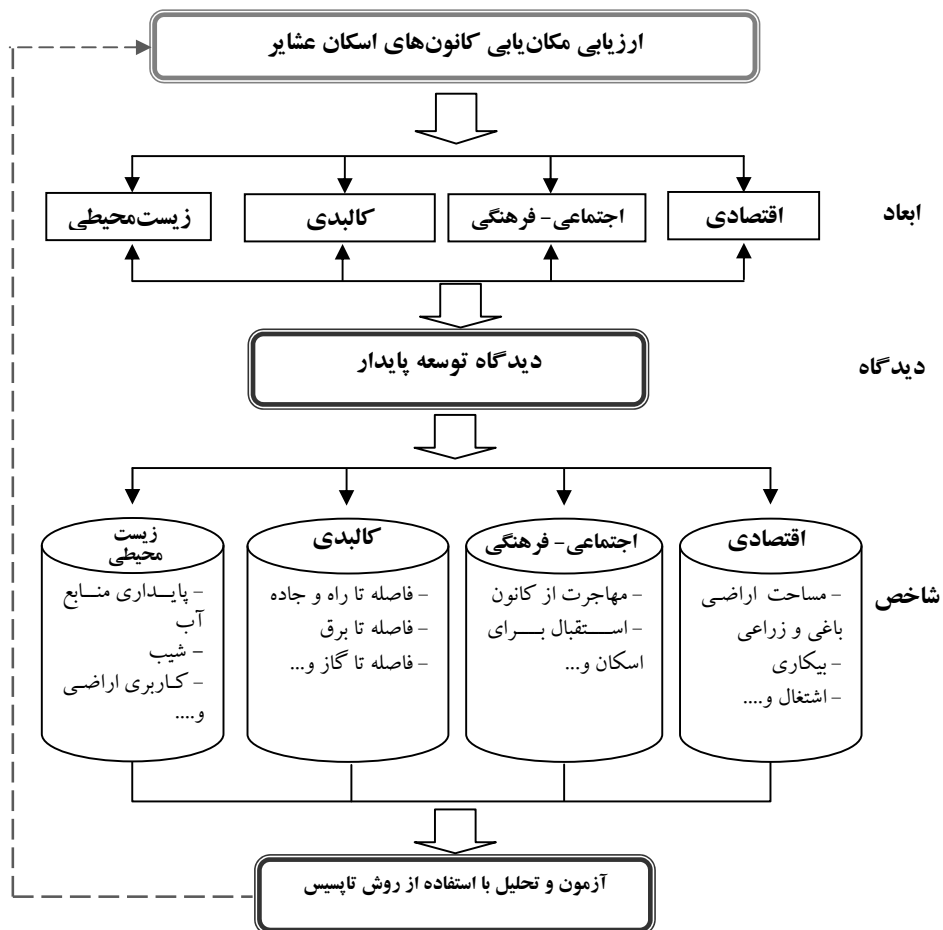
متأثر از	دیدگاه	الگوی توسعه	اثر بر جامعه عشایر
توسعه پایدار	حفظ محیط زیست	<p>در سیاست زیست‌محیطی، توجه عمده به حفاظت و حمایت از منابع است، بدون توجه کافی به معاش کسانی که بدین منابع وابسته‌اند؛ و از این‌رو، این سیاست نه تنها اثراتی بر زندگی فقرا دارد، بلکه نتیجه کار هم موفقیت‌آمیز نخواهد بود (Hakimian, 1992).</p> <p>از آنجا که جامعه عشایری کشور در ارتباط مستقیم با طبیعت و منابع طبیعی است و در حقیقت، در طول هزاران سال، بقای این جامعه در گرو تعامل با محیط زیست بوده، دیدگاه زیست‌محیطی توجه زیادی بدان داشته است. بر اساس دیدگاه زیست‌محیطی، دام‌مازاد بر ظرفیت مراتع عشایر از یک سو و تخریب بسیاری از درختان و بوته‌ها برای سوخت از سوی دیگر منجر به تخریب محیط زیست می‌شود و از این‌رو، باید عشایر اسکان داده شوند تا از تخریب مراتع جلوگیری شود؛ در حقیقت، این دیدگاه با جامعه عشایری به صورت محدودکننده و حذفی رفتار می‌کند (Rezaee, 2007).</p>	
توسعه پایدار	توسعه پایدار	<p>بر اساس این دیدگاه، فشارهای ناشی از رشد جمعیت، الگوهای ناپایدار مصرف، تغییرات آب‌وهوایی و قدرت‌های اقتصادی جهانی و ملی هم حفاظت از منابع زیست و هم زندگی جوامع محلی و بومی را به مخاطره انداخته است، کوچندگان مورد تبعیض واقع شده‌اند و سرعت تغییر دنیا زندگی این جوامع را به تحلیل برده و حیات آنها به عنوان جوامع شاخص مورد تهدید قرار گرفته است (Soltani, 1999). از این‌رو، این دیدگاه جوامع عشایری را با هدف ضرورت ملاحظه حقوق جوامع محلی و بومی، مورد توجه قرار می‌دهد و بر اسکان عشایر برای ارتقای سطح زندگی اجتماعی، اقتصادی و محیطی آنها تأکید دارد؛ و درباره توسعه و سامان‌دهی عشایر، بیانگر این مطلب است که باید ملاحظات بوم‌شناختی، دانش محلی، نهادی، اجتماعی- مشارکتی، جنسیتی، اقتصادی و عدم دستکاری شیوه تولید عشایری در نظر گرفته شود (Tavakoli, 2004).</p>	

مأخذ: رضایی (Rezaei, 2016)

در راستای سیاست اسکان عشایر، مکان‌یابی مراکز اسکان از اهمیت زیادی برخوردار است، زیرا نتایج آن در درازمدت ظاهر می‌شود و از جنبه‌های مختلف، پیامدهای چشمگیر دارد (Sharifipoor et al., 2010). «مکان‌یابی» فرآیند تصمیم‌گیری با دوره زمانی طولانی است،

زیرا باید تعداد زیادی از شاخص‌های موجود آزمایش و نتایج تصمیمات ممکن ارزیابی شوند (Parhizkar, 1997). مکان‌یابی فرآیندی است که به ارزیابی محیط کالبدی تأمین‌کننده شرایط و پشتیبان فعالیت‌های انسانی می‌پردازد. هدف عمده ارزیابی مکان استفاده خاص از زمین و نیز اطمینان از سازگاری و هماهنگی آن با توسعه و گسترش فعالیت‌های انسان با توجه به امکانات و محدودیت‌ها، محیط زیست طبیعی است (Poormohammadi and Asakereh, 2001). به‌طور کلی، مکان‌یابی فعالیتی است که به ارزیابی و تحلیل استقرارهای فضایی و غیرفضایی یک سرزمین به منظور انتخاب مکان مناسب برای کاربری خاص می‌پردازد (Akbarpoor et al., 2009). مطالعات مکان‌یابی درست و مناسب، علاوه بر تأثیر اقتصادی در عملکرد واحد مورد نظر برای تأسیس، آثار اجتماعی و فرهنگی در منطقه محل احداث خواهد داشت؛ همچنین، حفظ ویژگی‌های زیست‌محیطی از عوامل اصلی و مؤثر در تعیین محل احداث محسوب می‌شود (Sharifipoor et al., 2010). رعایت اصول توسعه پایدار نیز از الزامات بنیادی در انتخاب محل و مکان‌یابی است. با توجه به ابعاد توسعه پایدار، باید مکان‌یابی بر اساس ضوابط زیست‌محیطی، اقتصادی، اجتماعی و کالبدی صورت گیرد (Saidae and Azadi, 2014). در تحقیق حاضر، با رویکرد توسعه پایدار، مکان‌یابی کانون‌های اسکان عشایر استان چهارمحال و بختیاری ارزیابی شده و شاخص‌های مورد نظر در قالب ابعاد توسعه پایدار مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه بدین رویکرد، مدل مفهومی تحقیق در شکل ۱ ارائه شده است.





شکل ۱- مدل مفهومی تحقیق

تاکنون در زمینه مکان‌یابی و ارزیابی مکان‌یابی به‌طور اعم تحقیقات و مطالعات مختلف صورت گرفته است که از آن میان، می‌توان مکان‌یابی مراکز آموزشی، شهرهای جدید، مراکز آتش‌نشانی، و دفن زباله‌ها را یادآور شد (Sharifipoor et al., 2010؛ Akbarpoor et al., 2009؛ Poormohammadi and Asakereh, 2001).

اما در زمینه ارزیابی مکان‌یابی کانون‌های اسکان عشایر به‌طور اخص، عمدتاً مطالعات به ارزیابی عملکرد اسکان در قالب ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی در داخل یک یا چند کانون مشخص پرداخته و در مورد ارزیابی مکان‌یابی کانون‌های اسکان، تحقیقی مشخص انجام نشده است. در پی، برخی از مهم‌ترین پژوهش‌ها در زمینه شاخص‌های مرتبط با اسکان و ارزیابی عملکرد اسکان عشایر تشریح می‌شود.

آیین‌نامه اسکان عشایر مصوب هیئت وزیران در سال ۱۳۸۸ از مهم‌ترین اسناد در ارتباط با سامان‌دهی جامعه عشایر به‌ویژه اسکان عشایر است. در این آیین‌نامه، علاوه بر مواد قانونی مرتبط با اسکان عشایر، به مهم‌ترین شاخص‌ها و ضوابط خدمات‌رسانی برای کانون‌های اسکان توجه شده است. این شاخص‌ها و ضوابط در زمینه زیرساخت‌ها، خدمات آموزشی، بهداشتی، درمانی، اقتصادی و... است.

سازمان امور عشایر ایران (۱۳۹۰) در طرح ارزیابی اثرات اسکان عشایر در ۲۲ استان عشایری کشور، ۶۰ کانون توسعه را با استفاده از مطالعات میدانی مورد بررسی قرار داده است و نتایج آن نشان می‌دهد اسکان در زمینه شاخص‌های کالبدی (دسترسی به راه آسفالت، مراکز آموزشی، بهداشتی و...) تأثیرات مطلوبی داشته است و منجر به بهبود شاخص‌ها شده است اما در زمینه شاخص‌های اقتصادی (اشتغال، درآمد و...) و زیست‌محیطی (تخریب مراتع، منابع آب و...) شرایط نامناسب‌تر شده است (Nomadism Affairs Organization of Iran, 2011).

مهدوی و همکاران (Mahdavi et al., 2009)، در مقاله «سنجش نگرش عشایر اسکان‌یافته به اسکان در استان چهارمحال و بختیاری»، با استفاده از روش کتابخانه‌ای و میدانی، به بررسی اسکان عشایر پرداختند و بدین نتیجه رسیدند که در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی، اسکان عشایر چندان موفقیت‌آمیز نبوده و ناپایداری اشتغال از چالش‌های اساسی اسکان عشایر است؛ همچنین، شرایط در کانون‌های هدایتی مناسب‌تر از کانون‌های خودجوش ارزیابی شده است.

مهدوی و همکاران (Mahdavi et al., 2007)، در مطالعه‌ای با عنوان «روستاهای برآمده از اسکان عشایر و چالش‌های آن»، به دیدگاه‌های تأثیرگذار بر شکل‌گیری روستاهای نوظهور عشایری در استان چهارمحال و بختیاری پرداختند و بدین نتیجه رسیدند که از دوره رضاشاه پهلوی تا برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۸-۱۳۸۴)، دیدگاه‌های مختلف از جمله دیدگاه‌های نوسازی، تأمین نیازهای اساسی، زیست‌محیطی و در نهایت، توسعه پایدار بر اسکان عشایر تأثیر داشته و هر کدام از این دیدگاه‌ها در دوره‌های زمانی مختلف بر هزینه اعتبارات و نوع برنامه‌ها و همچنین، بر مسیر اسکان عشایر تأثیرگذار بوده است.

ازکیا (۱۳۷۸)، در تحقیقی با عنوان «اثرات طرح اسکان عشایر در دشت بکان استان فارس»، در زمینه‌های مختلف (شیوه زندگی، روابط اجتماعی، الگوی تغذیه، صنایع دستی، نقش و وظایف، و...)، با استفاده از روش میدانی، وضعیت قبل و بعد از اسکان زنان و کودکان خانوارهای عشایری را بررسی کرده است. در این تحقیق، دوسوم زنان عشایر زندگی یکجانشینی را به کوچ‌نشینی ترجیح داده‌اند؛ همچنین، اکثریت زنان عشایر (۷۲ درصد) معتقدند که باید فرزندانشان در شهر زندگی کنند؛ و در نهایت، شمار زنان موافق با اجرای طرح اسکان نزدیک به دوبرابر زنان مخالف آن بوده است (Azkia, 1996).

امیرعسلی (۱۳۸۵)، در پایان‌نامه دکتری خود با عنوان «بررسی اثرات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اسکان عشایر، نمونه موردی: کانون‌های تل شوره ملائی بلوط شهرستان کازرون»، چنین نتیجه‌گیری کرده است که عشایر منطقه مورد مطالعه برای رهایی از مشقات کوچ، دستیابی به آسایش بیشتر و فراهم شدن امکانات برای فرزندان و زنان، به اسکان روی آورده‌اند و از این فرآیند رضایت کامل دارند؛ اما در عین حال، از کمبود شغل برای کار و فعالیت، کمبود آب و زمین، و نبود بهداشت مناسب ناراضی هستند (Amirazodi, 2006).

از جمله موارد قابل توجه در پیشینه تحقیق، استفاده از شاخص‌های مختلف برای ارزیابی عملکرد اسکان در کانون‌های مختلف کشور است. همچنین، ارائه ضوابط و استانداردهای

خدمات‌رسانی و عملیات اسکان در آیین‌نامه سامان‌دهی عشایر از جمله موارد قابل توجه در انجام تحقیق حاضر است که پس از جمع‌آوری و استخراج شاخص‌های یادشده، این شاخص‌ها با نظر کارشناسی خلاصه شده و متناسب با موضوع تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است؛ سرانجام، نتایج تحقیق حاضر با تحقیقات پیشین مقایسه و بررسی شده است.

### روش تحقیق

تحقیق حاضر، از لحاظ هدف، کاربردی و از نوع تحقیقات توصیفی و تحلیلی بوده و اطلاعات مورد نیاز به صورت کتابخانه‌ای و میدانی به دست آمده است. تحلیل داده‌ها از طریق مدل تاپسیس (TOPSIS) انجام شد. شایان یادآوری است که شاخص‌های مورد استفاده در تحقیق بر اساس بررسی مطالعات پیشین و به‌ویژه ضوابط خدمات و استانداردهای ایجاد کانون‌های اسکان عشایر مصوب آیین‌نامه سامان‌دهی عشایر به دست آمده که پس از بررسی کارشناسی، خلاصه شده<sup>۵</sup> و در قالب پرسشنامه خانوار جمع‌آوری و با استفاده از مدل تاپسیس مورد تحلیل قرار گرفته است (جدول ۳). در این راستا، شاخص‌های کمی (فاصله‌ای و نسبی) به‌طور مستقیم در مدل تاپسیس وارد شد و شاخص‌های کیفی نیز در قالب طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت جمع‌آوری و پس از رتبه‌بندی در مدل تاپسیس بررسی و تحلیل شد.

جامعه آماری تحقیق شامل بیش از ۱۵۰۰ خانوار در قالب ۲۲ کانون عشایری (هفت کانون هدایتی و پانزده کانون خودجوش) بود که بر اساس رابطه کوکران، تعداد ۳۰۶ خانوار به‌عنوان نمونه در نظر گرفته شدند. نمونه‌گیری در کانون‌های مورد مطالعه به روش طبقه‌ای (بر اساس نسبت تعداد خانوار هر کانون) صورت گرفت (جدول ۲). همچنین، انتخاب خانوارهای نمونه

۵. خلاصه‌سازی شاخص‌های مورد نظر و انتخاب شاخص‌های تحقیق از بین پنجاه شاخص توسط ده نفر از کارشناسان سازمان امور عشایر در سطح ملی و استانی صورت گرفت.

۶. پرسشنامه‌های تحقیق در تابستان ۱۳۹۵ تکمیل شد.

به شیوه تصادفی ساده انجام شده و پایایی ابزار تحقیق بر اساس ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۶۴ محاسبه شده است.

برای بررسی تفاوت میانگین‌های کانون‌های هدایتی و خودجوش، از آزمون تی (t) مستقل استفاده شده است. محاسبات مربوط به مدل تاپسیس و آزمون‌های تحقیق با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام شده و همچنین، برای نشان دادن موقعیت و سطح‌بندی کانون‌های توسعه در سطح استان، از نرم‌افزار ARCGIS استفاده شده است. در ادامه، مهم‌ترین ویژگی‌های مدل تاپسیس و نتایج تحقیق ارائه می‌شود.

### معرفی مدل

برای ارزیابی هر موضوعی، به معیار اندازه‌گیری یا شاخص‌های مشخص نیاز است. با انتخاب شاخص‌های مناسب می‌توان به مقایسه درست بین جایگزین‌ها یا آلترناتیوها پرداخت؛ اما در صورت انتخاب چند یا چندین شاخص، ارزیابی پیچیده می‌شود. در این هنگام، کار ارزیابی و مقایسه از حالت ساده تحلیلی که ذهن قادر به انجام آن است، خارج می‌شود و به یک ابزار تحلیلی علمی قوی نیاز خواهد بود (Sarvar, 2002). از جمله ابزارهای مناسب در این زمینه مدل تاپسیس است. برای رتبه‌بندی بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، روش‌های مختلف وجود دارد که الزاماً نتایج یکسان ندارند. یکی از روش‌های رتبه‌بندی که قدرت بالایی در تفکیک گزینه‌ها دارد، «رتبه‌بندی ترجیحات بر اساس شباهت به راه حل ایده‌آل» است که به اختصار با نام تاپسیس<sup>۷</sup> شناخته می‌شود (Ziaree et al., 2013). روش تاپسیس به عنوان یکی از اعضای خانواده MCDM یا روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره، امروزه، در رتبه‌بندی مفاهیم مختلف در علوم گوناگون جایگاهی ویژه یافته است (Olson, 2004). مدل تاپسیس در حل مسائل چندمعیاره بر روش‌های دیگر برتری دارد و برای اولین بار، هوانگ آن را به کار برد. این مدل به ورودیه‌ای دقیق و محدود برای تصمیم‌گیری‌های سازنده و مناسب نیازمند است و

7. Total Order Preferences by Similarity to the Ideal Solution (TOPSIS)

شاخص‌ها نیز به وزن‌دهی مناسب احتیاج دارند؛ بنابراین، مدل تاپسیس توانایی پاسخ به تقاضاهای متعدد کاربران را دارد و کارآیی آن بالاست (Yoon and Hwang, 1995). در این مدل، برنامه‌ریزی بر اساس فاصله اقلیدسی بین موارد تا مورد ایده‌آل تعریف می‌شود و بهترین راه حل آن است که کمترین فاصله را با راه حل ایده‌آل و دورترین فاصله را با راه حل غیرایده‌آل داشته باشد. در پی، مراحل انجام تحقیق با استفاده از این مدل تشریح می‌شود.

*انتخاب شاخص‌های مرتبط با مکان‌یابی:* در این مرحله، شاخص‌هایی که باید در مدل استفاده شود و تحلیل‌ها بر اساس آن صورت گیرد، انتخاب می‌شود. شاخص‌های منتخب تحقیق حاضر در جدول ۳ آمده است.

*تهیه ماتریس نرمال‌شده شاخص‌ها (ماتریس R):* از آنجا که معمولاً مقیاس مقادیر کمی شاخص‌ها و معیارها متفاوت است، باید اختلاف مقیاس بین شاخص‌ها از بین برود. به همین دلیل، مقادیر ماتریس تصمیم‌گیری در محیط SPSS به مقادیر نرمال‌شده تبدیل می‌شود و اختلاف مقیاس آنها از بین می‌رود.

*تهیه وزن برای شاخص‌ها:* از آنجا که ارزش و اهمیت شاخص‌های مورد استفاده یکسان نیست، باید برای از بین بردن این تفاوت‌ها به محاسبه وزن آنها پرداخت. بدین منظور، از روش‌های مختلفی همچون بهره‌گیری از نظر پانل متخصصان و کارشناسان، روش مک‌گراهان و روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی استفاده می‌شود (Kalantari, 2012). در تحقیق حاضر، وزن‌دهی شاخص‌ها با استفاده از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی صورت گرفته است.

*اعمال وزن به مقادیر ماتریس نرمال (V):* برای از بین بردن واریانس بین شاخص‌های مورد استفاده و هم‌ارزش کردن مقادیر ماتریس R، وزن‌های به‌دست آمده در مرحله قبل به صورت نظیربه‌نظیر در ستون‌های ماتریس نرمال‌شده (R) ضرب شده و ماتریس نرمال و وزن‌دهی شده (V) به‌دست می‌آید.

*شناسایی راه حل‌های ایده‌آل و غیرایده‌آل:* راه حل‌های ایده‌آل (A+) و غیرایده‌آل (A-) برای هر کدام از شاخص‌ها از طریق مقادیر نرمال‌شده وزنی (ماتریس V) به‌دست می‌آید. در

ارزیابی مکان‌یابی کانون‌های اسکان عشایر با....

این ماتریس، بر اساس نوع شاخص‌ها (یعنی، مثبت یا منفی بودن آنها)، گزینه‌های ایده‌آل (برترین) و غیرایده‌آل (کم‌اولویت‌ترین) به دست می‌آید.

محاسبه فاصله هر شاخص نسبت به راه حل ایده‌آل و غیرایده‌آل: در این مرحله، با توجه به نوع شاخص (از نظر مثبت یا منفی بودن)، فاصله هر شاخص با راه حل ایده‌آل (A+) و راه حل غیرایده‌آل (A-) محاسبه می‌شود.

محاسبه نزدیکی تا راه حل ایده‌آل: برای محاسبه نزدیکی نسبی تا راه حل ایده‌آل و رتبه‌بندی لازم، از رابطه زیر استفاده می‌شود:

$$c_i^+ = s_i^- / (s_i^+ + s_i^-)$$

#### معرفی منطقه مورد مطالعه

بر اساس آخرین نتایج سرشماری عشایر کوچنده کشور در سال ۱۳۸۷، جمعیت عشایری استان چهارمحال و بختیاری بیش از ۵۸۵۰۸ نفر در قالب ۹۶۲۶ خانوار بوده که در مجموع، ۴/۹۳ درصد از عشایر کل کشور را به خود اختصاص داده است (Statistical Center of Iran, 2011). مهم‌ترین شهرستان‌های عشایری استان نیز عبارت‌اند از لردگان، فارسان، اردل و کوه‌رنگ (Rezaei, 2016). بر اساس اعلام‌های به عمل آمده، تعداد ۲۲ کانون عشایری در استان وجود دارد که از آن میان، هفت کانون هدایتی و پانزده کانون خودجوش است. پراکنندگی این کانون‌ها در شهرستان‌های مختلف و جمعیت آنها به شرح جدول ۲ است.

**جدول ۲- کانون‌های اسکان عشایر استان چهارمحال و بختیاری و سهم پرسشنامه‌ها**

کانون	نوع کانون	جمعیت	خانوار	سهم از پرسشنامه	تعداد پرسشنامه
چلگرد	هدایتی	۳۱۵	۴۷	۳/۱	۱۰
چمن گلی	خودجوش	۲۰۰	۲۸	۱/۹	۶
مورز	خودجوش	۵۰۰	۸۱	۵/۴	۱۷
شیخ علیخان	خودجوش	۵۵۸	۹۰	۶	۱۸
لشتر	هدایتی	۲۸۵	۴۳	۲/۹	۹
شلیل	خودجوش	۸۰۰	۱۱۷	۷/۸	۲۴
دوآب صمصامی	خودجوش	۱۵۰۰	۲۲۸	۱۵/۲	۴۷
قرباب	هدایتی	۱۶۲	۲۴	۱/۶	۵
خسروآباد	خودجوش	۱۲۰	۱۹	۱/۳	۴
گلوگرد	خودجوش	۵۰۰	۷۷	۵/۱	۱۶
قلعه مدرسه	خودجوش	۲۸۶	۴۱	۲/۷	۸
مازه سوخته	هدایتی	۷۳	۱۱	۰/۷	۲
چویلان	خودجوش	۵۰۰	۷۴	۴/۹	۱۵
بارز	خودجوش	۶۰۰	۸۶	۵/۷	۱۸
کری	خودجوش	۲۱۸	۳۳	۲/۲	۷
شرمک	هدایتی	۱۹۶	۳۷	۲/۵	۸
بیرگان	خودجوش	۸۰۰	۱۲۱	۸/۱	۲۵
سردشت	خودجوش	۱۰۰۰	۱۴۵	۹/۷	۳۰
دشت زری	هدایتی	۷۵۰	۱۰۷	۷/۱	۲۲
دهناش	خودجوش	۴۰۰	۶۱	۴/۱	۱۲
چید	هدایتی	۹۳	۱۵	۱	۳
خاکی	خودجوش	۱۱۲	۱۵	۱	۳
کل		۹۹۶۸	۱۵۰۰	۱۰۰	۳۰۶

مأخذ: اداره کل امور عشایر استان چهارمحال و بختیاری

(Nomad Board of Chaharmahal and Bakhtiari Province, 2015)



## نتایج و بحث

### انتخاب شاخص‌های مرتبط با مکان‌یابی

برای شناسایی و ارزیابی مکان‌یابی کانون‌های توسعه عشایر استان چهارمحال و بختیاری، ۳۱ شاخص در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و کالبدی استخراج و اطلاعات آن از طریق ۳۰۶ خانوار نمونه اسکان‌یافته در کانون‌های توسعه تکمیل شد (به روش تصادفی ساده)؛ و در نهایت، اطلاعات جمع‌آوری شده در قالب یک ماتریس وارد محیط SPSS شد. فهرست این شاخص‌ها در جدول ۳ آمده است. همان‌گونه که در روش تحقیق اشاره شد، این شاخص‌ها با استفاده از مطالعات پیشین و به‌ویژه آیین‌نامه سامان‌دهی عشایر استخراج و توسط ده نفر از کارشناسان سازمان امور عشایر در سطح ملی و استانی خلاصه و نهایی شد.

### جدول ۳- شاخص‌های مورد بررسی در ارزیابی کانون‌های توسعه عشایر استان چهارمحال و بختیاری

شاخص	بعد	شاخص	بعد
۸- پایداری منبع آب شرب، ۹- شیب سایت اسکان، ۱۰- فاصله تا زیست‌بوم عشایری، ۱۱- خطر سیل‌گیری کانون، ۱۲- خطر ریزشی بودن کانون، ۱۳- خطر رانشی بودن کانون، ۱۴- استقرار در محدوده منابع آب، ۱۵- میزان بارندگی، ۱۶- درجه حرارت، ۱۷- رطوبت نسبی، ۱۸- پوشش گیاهی اطراف سایت، ۱۹- پایداری منبع آب کشاورزی، ۲۰- کاربری اراضی سایت محل اسکان، ۲۱- فاصله از گسل، ۲۲- فاصله تا مرکز دهستان، ۲۳- فاصله تا منابع و جاذبه‌های گردشگری	زیست‌محیطی	۱- فاصله تا راه آسفالت، ۲- فاصله تا ایل‌راه، ۳- فاصله تا شبکه برق سراسری، ۴- دسترسی به خدمات درمانی، ۵- فاصله تا شبکه گاز، ۶- تحقق اهداف دولت، ۷- میزان خودیاری مردم در ایجاد تأسیسات	کالبدی
۲۸- میزان مهاجرت از کانون، ۲۹- میزان جرم و جنایت گزارش شده از کانون، ۳۰- میزان همبستگی اهالی کانون، ۳۱- میزان استقبال خانوارها برای اسکان	اجتماعی	۲۴- مساحت اراضی باغی، ۲۵- مساحت اراضی زراعی، ۲۶- میزان بیکاری، ۲۷- میزان تنوع اشتغال	اقتصادی

مأخذ: یافته‌های پژوهش

تهیه ماتریس نرمال شده شاخص‌ها (ماتریس  $R$ ): در این مرحله، مقادیر شاخص‌های ۳۱ گانه مربوط به ۲۲ کانون عشایری به توان دو رسید؛ سپس، از مجموع ستون‌های جدید جذر گرفته شد و در نهایت، مقادیر اصلی مربوط به هر شاخص بر جذر همان شاخص تقسیم شد، که نتیجه آن داده‌های نرمال شده شاخص‌های اصلی بود و در سایر مراحل تحقیق مورد استفاده قرار گرفت.

تهیه وزن برای شاخص‌ها: در تحقیق حاضر، وزن‌دهی شاخص‌ها با استفاده از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی صورت گرفته که نتایج آن در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴- وزن‌های محاسبه شده به روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی (بردار خاص)

X <sub>1</sub>	X <sub>2</sub>	X <sub>3</sub>	X <sub>4</sub>	X <sub>5</sub>	X <sub>6</sub>	X <sub>7</sub>	X <sub>8</sub>	X <sub>9</sub>	X <sub>10</sub>	X <sub>11</sub>	X <sub>12</sub>
۰/۵۸۰	۰/۸۲۱	۰/۶۱۴	۰/۶۱۲	۰/۴۰۴	۰/۵۸۱	۰/۳۸۳	۰/۳۵۷	۰/۳۷۲	۰/۴۱۸	۰/۶۵۲	۰/۶۵۰
X <sub>13</sub>	X <sub>14</sub>	X <sub>15</sub>	X <sub>16</sub>	X <sub>17</sub>	X <sub>18</sub>	X <sub>19</sub>	X <sub>20</sub>	X <sub>21</sub>	X <sub>22</sub>	X <sub>23</sub>	X <sub>24</sub>
۰/۲۷۰	۰/۴۶۴	۰/۱۶۷	۰/۳۶۴	۰/۱۳۵	۰/۲۸۳	۰/۳۴۵	۰/۱۴۱	۰/۴۶۷	۰/۵۲۵	۰/۴۰۳	۰/۵۶۷
X <sub>25</sub>	X <sub>26</sub>	X <sub>27</sub>	X <sub>28</sub>	X <sub>29</sub>	X <sub>30</sub>	X <sub>31</sub>					
۰/۷۸۶	۰/۳۵۸	۰/۶۸۹	۰/۲۴۶	۰/۴۹۸	۰/۷۲۵	۰/۵۷۷					

مأخذ: یافته‌های پژوهش

همان گونه که در جدول ۴ ملاحظه می‌شود، بالاترین وزن شاخص‌های مورد نظر مربوط به شاخص‌های فاصله تا ایل راه (X<sub>2</sub>)، مساحت اراضی زراعی (X<sub>25</sub>) و میزان همبستگی اهالی کانون (X<sub>30</sub>) و کمترین وزن‌های محاسبه شده نیز مربوط به شاخص‌های رطوبت نسبی (X<sub>17</sub>)، کاربری اراضی سایت محل اسکان (X<sub>20</sub>) و میزان بارندگی (X<sub>15</sub>) بوده است.

محاسبه فاصله هر شاخص نسبت به راه حل ایده آل و غیرایده آل: پس از به دست آوردن وزن شاخص‌ها و ضرب آن در مقادیر شاخص‌های متناظر، با توجه به مثبت یا منفی بودن شاخص، فاصله هر شاخص با راه حل ایده آل (A+) و راه حل غیرایده آل (A-) محاسبه شد، که نتایج آن در جدول ۵ آمده است.

ارزیابی مکان‌یابی کانون‌های اسکان عشایر با....

جدول ۵- میزان نزدیکی (S+) و دوری (S-) هر کدام از راه حل‌ها

S+	S-	کانون	S+	S-	کانون
۰/۷۵۹	۰/۲۸۲	سردشت	۰/۲۳۶	۰/۲۸۹	قراب
۰/۶۶۶	۰/۱۵۰	خاکی	۰/۲۸۲	۰/۲۳۲	قلعه مدرسه
۰/۶۵۵	۰/۲۹۰	هیرگان	۰/۳۶۹	۰/۵۲۰	دوآب
۰/۵۹۶	۰/۳۷۴	بارز	۰/۲۲۶	۰/۵۳۳	شیخ علیخان
۰/۷۸۵	۰/۲۶۰	دهناش	۰/۲۸۹	۰/۲۴۵	گلوگرد
۰/۵۸۸	۰/۲۶۵	شرمک	۰/۳۱۱	۰/۵۴۴	شلیل
۰/۵۰۵	۰/۳۸۵	مازه سوخته	۰/۲۱۱	۰/۸۹۶	چلگرد
۰/۵۰۳	۰/۲۳۰	کری	۰/۲۱۸	۰/۴۶۱	لشتر
۰/۴۹۰	۰/۳۶۹	چویلان	۰/۳۲۶	۰/۸۰۱	مورز
۰/۷۷۵	۰/۲۵۹	امیرآباد	۰/۳۴۵	۰/۴۱۰	خسروآباد
۰/۶۹۸	۰/۲۱۵	چبد	۰/۲۷۶	۰/۸۰۷	چمن گلی

مأخذ: یافته‌های پژوهش

بر اساس نتایج جدول ۵، شاخص‌های منفی (فاصله نسبت به گسل، شیب سایت محل اسکان و...) و شاخص‌های مثبت (میزان بارندگی، فاصله تا ایل‌راه و...) از هم تفکیک و برای هر کانون به صورت جداگانه محاسبه شده است. در این جدول، کانون‌هایی که شرایط بهتری از نظر مجموع شاخص‌های مثبت و منفی دارند، امتیازهای بهتر و در مرحله بعد نیز رتبه بهتری نسبت به سایر کانون‌ها به دست آورده‌اند.

محاسبه نزدیکی تا راه حل ایده‌آل: همان‌گونه که اشاره شد، برای محاسبه نزدیکی نسبی تا راه حل ایده‌آل، می‌توان از رابطه زیر استفاده کرد:

$$c_i^+ = s_i^- / (s_i^+ + s_i^-)$$

آماره  $c_i^+$  میزان نزدیکی نسبی مراکز تا راه حل ایده‌آل را نشان می‌دهد، که مقدار آن همواره بین صفر و یک در نوسان است. هرچه مقدار آن به یک نزدیک‌تر باشد، مرکز یا واحد مورد نظر دارای برتری‌های بیشتری نسبت به سایر موارد است. با توجه به این مبحث و رابطه بالا، اولویت‌بندی کانون‌های اسکان عشایر استان چهارمحال و بختیاری در جدول ۶ آمده است.

شایان یادآوری است که در این مرحله، کانون‌های دارای بالاترین امتیاز شاخص‌های مثبت و پایین‌ترین امتیاز شاخص‌های منفی رتبه بالاتری را به دست آورده‌اند.

**جدول ۶- فاصله کانون‌های توسعه اسکان عشایر با راه حل ایده‌آل و غیرایده‌آل**

رتبه	CI	کانون	رتبه	CI	کانون
۱۲	۰/۴۳۳	مازه سوخته	۱	۰/۸۰۹	چلگرد
۱۳	۰/۴۳۰	چویلان	۲	۰/۷۴۵	چمن گلی
۱۴	۰/۳۸۶	بارز	۳	۰/۷۱۱	مورز
۱۵	۰/۳۱۴	کری	۴	۰/۷۰۲	شیخ علیخان
۱۶	۰/۳۱۱	شرمک	۵	۰/۶۷۹	لشتر
۱۷	۰/۳۰۷	هیرگان	۶	۰/۶۳۶	شلیل
۱۸	۰/۲۷۱	سردشت	۷	۰/۵۸۵	دوآب
۱۹	۰/۲۵۰	دشت زری	۸	۰/۵۵۰	قرباب
۲۰	۰/۲۴۹	دهناش	۹	۰/۵۴۳	خسروآباد
۲۱	۰/۲۳۵	چد	۱۰	۰/۴۵۹	گلوگرد
۲۲	۰/۱۸۴	خاکی	۱۱	۰/۴۵۱	قلعه مدرسه

مأخذ: یافته‌های پژوهش

همان‌گونه که جدول ۶ نشان می‌دهد، بیشترین امتیاز به دست آمده مربوط به کانون چلگرد و کمترین آن مربوط به کانون خاکی است. چنان‌که پیش‌تر نیز گفته شد، امتیاز نهایی هر کانون از ترکیب ۳۱ شاخص (جدول ۳) به دست آمد که طی مراحل مختلف، ابتدا بی‌وزن شده و سپس، ضرایب لازم برای تک تک آنها محاسبه شده و در نهایت، متناسب با جهت مثبت یا منفی شاخص، با هم ترکیب و امتیاز نهایی به دست آمده است.

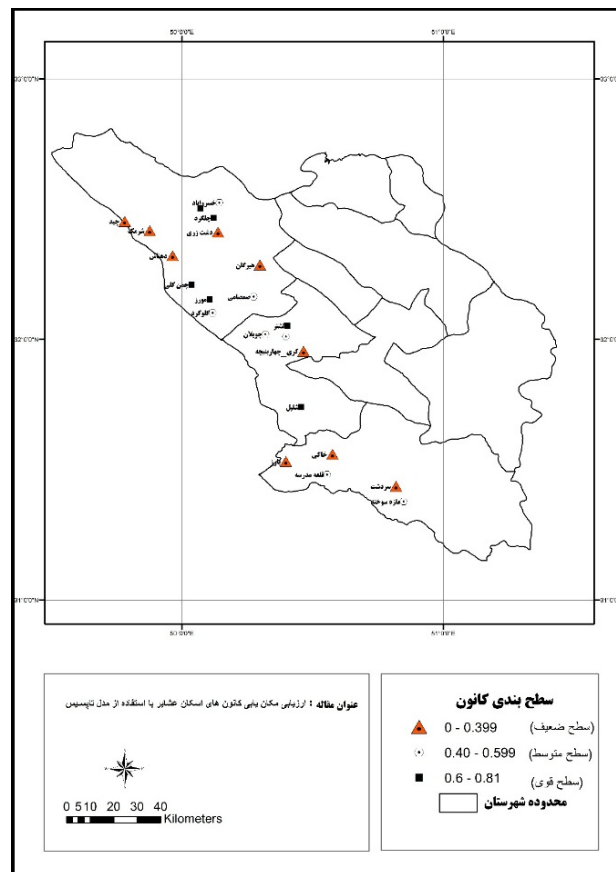
چنانچه کانون‌های مورد مطالعه بر اساس امتیاز به دست آمده در سه گروه ضعیف (امتیاز ۰/۳۹۹-۰)، متوسط (۰/۴-۰/۵۹۹) و قوی (۰/۶-۱) دسته‌بندی شوند<sup>۸</sup>، کانون‌های چلگرد، چمن

۸ این گروه‌بندی با مراجعه به مطالعات پیشین به‌ویژه مطالعاتی که از مدل تاپسیس برای اولویت‌بندی استفاده کرده‌اند، انجام شده، که از آن جمله است: مطالعات ضیائیان فیروزآبادی و همکاران (Ziaeiian Firouzabadi et al., 2016)، چوبچیان و همکاران (Choobchian et al., 2014)، رضوانی و همکاران (Rezvani et al., 2011) و پورطاهری و همکاران (Poortaheri et al., 2010).

ارزیابی مکان‌یابی کانون‌های اسکان عشایر با....

گلی، مورز، شیخ علیخان، لشر و شلیل در طبقه قوی، کانون‌های دوآب صمصامی، قرآب، خسروآباد، گلوگرد، قلعه مدرسه، مازه سوخته و چویلان در طبقه متوسط و کانون‌های بارز، کری، شرمک، هیرگان، سردشت، امیرآباد، دهناش، چبد و خاکی در طبقه ضعیف قرار می‌گیرند.

بر پایه نتایج بررسی‌های میدانی نیز کانون‌های دارای رتبه‌های بالاتر فاصله نزدیکی تا مراکز بخش و دهستان داشتند و امکان خدمات‌رسانی مناسب به آنها بیشتر بوده است. شکل ۲ سطح‌بندی کانون‌های اسکان عشایر را در استان چهارمحال و بختیاری نشان می‌دهد.



شکل ۲- سطح‌بندی کانون‌های اسکان عشایر در استان چهارمحال و بختیاری

برای مقایسه تفاوت کانون‌های خودجوش و هدایتی، از آزمون تی (t) مستقل استفاده شد. همان‌گونه که جدول ۶ نشان می‌دهد میانگین امتیاز کانون‌های هدایتی ۰/۴۶۶۷ و کانون‌های خودجوش ۰/۴۶۴۹ است. همچنین، جدول ۷ نشان‌دهنده عدم تفاوت معنی‌دار بین کانون‌های هدایتی و خودجوش در استان چهارمحال و بختیاری است. چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، در کانون‌های هدایتی، دولت از آغاز با مطالعه فرآیند اسکان عشایر را برنامه‌ریزی می‌کند و اما در کانون‌های خودجوش، عمدتاً عشایر به صورت خودخواسته در برخی مراکز اسکان یافته‌اند و دولت برخی خدمات را بدین کانون‌ها ارائه می‌کند. علی‌رغم تفاوت در این فرآیند، اما مقایسه میانگین‌های به دست آمده از این کانون‌ها نشان‌دهنده عدم تفاوت معنی‌دار بین آنهاست و در واقع، وضعیت این دو نوع کانون اسکان کاملاً به هم نزدیک بوده و عملکرد دولت متفاوت نبوده است و علی‌رغم هزینه‌های بالا در این خصوص، عملکرد کانون‌های هدایتی نزدیک به کانون‌های خودجوش است.

**جدول ۷- میانگین و انحراف معیار امتیاز کانون‌های توسعه به تفکیک نوع کانون**

نوع کانون	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد میانگین
هدایتی	۷	۰/۴۶۶۷	۰/۲۲۱۸۱	۰/۰۸۳۸۴
خودجوش	۱۵	۰/۴۶۴۹	۰/۱۸۱۹۶	۰/۰۴۶۹۸

مأخذ: یافته‌های پژوهش

**جدول ۸- نتایج آزمون تی مستقل**

شرح	آزمون لون		آزمون t برای برابری میانگین‌ها			
	آماره F	سطح معناداری	آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین
فرض برابری واریانس	۰/۵۰۵	۰/۴۸۵	۰/۰۲۱	۲۰	۰/۹۸۴	۰/۰۰۱۸۵
فرض عدم برابری واریانس			۰/۰۱۹	۹/۹۴	۰/۹۸۵	۰/۰۰۱۸۵

مأخذ: یافته‌های پژوهش

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در برنامه سامان‌دهی عشایر، سیاست اسکان عشایر یکی از مهم‌ترین سیاست‌هاست که باعث شده است تا کانون‌های مختلف در کل کشور ایجاد شود (۹۷۲ کانون شامل ۷۲۸ کانون خودجوش و ۲۴۴ کانون هدایتی). در استان چهارمحال و بختیاری نیز ۲۲ کانون اسکان ایجاد شده که از آن میان، پانزده کانون خودجوش و هفت کانون هدایتی بوده است. از جمله نکات قابل توجه در این فرآیند، نقش انتخاب درست و بهینه محل کانون است که در پایداری اسکان اهمیت دارد. بر این اساس، هدف تحقیق حاضر ارزیابی مکان‌یابی کانون‌های اسکان استان چهارمحال و بختیاری بوده که در آن، با استفاده از ۳۱ شاخص در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و زیست‌محیطی و نیز با بهره‌گیری از مدل تاپسیس، این شاخص‌ها پس از بی‌مقیاس شدن و وزن‌دهی مناسب، در نهایت، به تفکیک شاخص‌های مثبت و منفی ترکیب و امتیازهای مربوط به کانون‌ها محاسبه و رتبه‌بندی لازم صورت گرفت. در این فرآیند، کانون‌های دارای دسترسی مناسب‌تر به زیرساخت‌ها توان‌های اقتصادی بالاتری داشتند، و میزان رضایت‌مندی خانوارها بالاتر بود و در نتیجه، امتیاز بالاتری به دست آوردند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که از مجموع ۲۲ کانون، ۲۷/۲ درصد در طبقه قوی، ۳۱/۸ درصد در طبقه متوسط و ۴۱ درصد در طبقه ضعیف قرار دارند. مبنای طبقه‌بندی کانون‌ها به سه دسته قوی، متوسط و ضعیف امتیازهای به دست آمده برای تک تک کانون‌ها بوده است. کانون‌های قوی، کانون‌هایی هستند که از نظر شاخص‌های کالبدی (دسترسی به راه آسفالت، برق، آب، گاز و...)، شاخص‌های اقتصادی (دسترسی به اراضی زراعی و باغی، تنوع اشتغال و...)، شاخص‌های اجتماعی (امنیت کانون‌ها، همبستگی، عدم مهاجرت و...) و شاخص‌های زیست‌محیطی (پایداری منابع آب شرب، فاصله تا گسل‌ها، رعایت حریم منابع آب و...)، شرایط مناسب داشته و بیش از شصت درصد پاسخ‌گویان امتیاز متوسط به بالا برای این شاخص‌ها در نظر گرفته‌اند. در کانون‌های متوسط، میزان رضایت‌مندی بین چهل تا شصت درصد و در کانون‌های ضعیف نیز میزان

رضایت‌مندی پاسخ‌گویان از امکانات، خدمات و مکان‌یابی کانون کمتر از چهل درصد بوده است.

با توجه به نتایج یادشده، مکان‌یابی کانون‌های عشایر استان از شرایط چندان مناسب برخوردار نیست و تنها درصد کمی از آنها شرایط نسبتاً مناسب دارند. از آنجا که بیشترین تمرکز دولت بر خدمات‌رسانی به کانون‌ها خواه هدایتی و خواه خودجوش بوده، عملکرد شاخص‌های کالبدی مناسب ارزیابی شده است. وضعیت شاخص‌های اجتماعی نیز نسبتاً مناسب ارزیابی شده است؛ اما از نظر شاخص‌های اقتصادی و زیست‌محیطی، بسیاری از کانون‌ها با چالش روبه‌رو هستند.

بررسی نتایج تحقیقات مرتبط با ارزیابی عملکرد اسکان در کانون‌های توسعه در سایر نقاط کشور نیز نشان می‌دهد که در زمینه شاخص‌های کالبدی، عملکرد اسکان بهتر بوده است؛ اما در ارتباط با شاخص‌های اقتصادی به‌ویژه معیشت و اشتغال، شرایط کانون‌ها چندان مناسب نیست و این وضعیت در کانون‌های مورد مطالعه در تحقیق حاضر نیز مصداق دارد. بنابراین، اسکان عشایر و رویکرد آن در بیشتر کانون‌های کشور بر اساس نوع کانون و بیشتر با محوریت خدمات‌رسانی صورت گرفته و این در حالی است که پایداری کانون‌های اسکان مستلزم توجه به تمامی ابعاد توسعه پایدار و به‌ویژه محور اقتصاد کانون‌هاست.

همچنین، نتایج تحقیق در زمینه مقایسه میانگین شاخص‌های مورد مطالعه در کانون‌های خودجوش و هدایتی استان نشان‌دهنده عدم تفاوت معنی‌دار میان این دو نوع کانون است. به دیگر سخن، علی‌رغم نوع برنامه‌ریزی برای فرآیند اسکان در کانون‌های خودجوش و هدایتی و به‌ویژه با وجود هزینه‌های بالاتر دولت در کانون‌های هدایتی، عملکرد این دو نوع کانون نزدیک به هم است و کانون‌هایی که مردم محور برنامه‌ریزی آن بودند، با هزینه کمتر، عملکرد بهتری داشته‌اند.

با توجه به مباحث پیش‌گفته، مهم‌ترین پیشنهادها پژوهش حاضر در ارتباط با مکان‌یابی کانون‌های جدید و پایدارسازی کانون‌های موجود به‌شرح زیر ارائه می‌شود:



- علاوه بر نگرش یکپارچه به مقوله اسکان، داشتن رویکرد توسعه پایدار در مکان‌یابی کانون‌های جدید و تداوم برنامه‌ریزی کانون‌های موجود از الزامات اساسی به‌شمار می‌رود. از آنجا که مشارکت مردم نقشی تعیین‌کننده در پایداری اسکان دارد، لازم است در برنامه‌ریزی‌ها برای ایجاد کانون‌های جدید، اولویت اساسی به کانون‌های خودجوش داده شود و نقش مردم به‌عنوان ذی‌نفعان اصلی از آغاز در تمامی فرآیند برنامه‌ریزی اسکان (مکان‌یابی، تجهیز، بهره‌برداری، نظارت و ارزیابی) پررنگ دیده شود. در این راستا، دولت باید بیشتر به‌صورت تسهیل‌گر و سیاست‌گذار عمل کرده، از دولتی بار آمدن کانون‌های توسعه‌جویی کند؛
- در بعد اقتصادی، مواردی همچون متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی همه کانون‌ها (به‌ویژه کانون‌های لشتر، بارز، کری، چبد و خاکی به‌خاطر محدودیت‌های فعالیت‌های کشاورزی)، با توجه به استفاده سنتی از منابع آب در کانون‌هایی که زراعت و باغداری محور اقتصاد آنهاست (کانون‌های دوآب صمصامی، دشت زری، بیرگان، شیخ علیخان، و قراب)، توسعه شیوه‌های آبیاری قطره‌ای و بارانی و همچنین تقویت تعاونی‌های تولید در ۲۲ کانون توسعه استان و...؛
- در بعد کالبدی، تأمین راه دسترسی مناسب برای کانون‌ها (به‌ویژه کانون‌های بارز، خاکی، و مازه سوخته، پایدارسازی مسکن (به‌ویژه در کانون‌های خسروآباد، شلیل، چویلان، دهناش، و چبد)؛
- در بعد اجتماعی و فرهنگی، افزایش مشارکت مردم در مدیریت همه کانون‌های استان و همچنین، افزایش شاخص‌های اجتماعی آنها همچون امید به زندگی، باسوادی زنان و... حداقل به میزان شاخص‌های روستاهای استان؛ و
- در بعد زیست‌محیطی، دفع بهداشتی زباله و فاضلاب در همه ۲۲ کانون توسعه و همچنین، افزایش فضاها و گذران اوقات فراغت و... در همه کانون‌ها.

منابع

1. Abdollahi, M. (2007). Settlement of nomads and development of their social life in Iran (case study: Ilam province). *Social Science Letter*, 32, Winter. (Persian)
2. Abraham, F. (1998). Perspective on modernization: toward a general theory of third world development. New York: Free Press.
3. Akbarpoor, M., Gharakhloo, M. and Norouzi, M. (2009). Evaluating and locating the use of green space in the 9<sup>th</sup> municipality of Tehran. *Applied Research of Geographic Sciences*, 11(14): 75-104. (Persian)
4. Azkia, M. (2005). Introduction to sociology of rural development. Tehran: SAMT Publication. (Persian)
5. Amirazodi, T. (2006). Planning and organizing Iranian nomads. PhD Thesis, Faculty of Geography, Azad university). (Persian)
6. Azkia, M. and Ghaffari, Gh. (1998). Sociology of development. First Edition. Tehran: Nashr Kalameh Publication. (Persian)
7. Azkia, M. (1996). Evaluation of nomadic housing in bakan, Fars Province, Iran Nomadism Affairs Organization. (Persian)
8. Choobchian, Sh., Kalantari, Kh., Asadi, A. and Taghavi Motlagh, A. (2014). Ranking the Counties of Guilan province regarding sustainable management of fishing Parih cooperatives using TOPSIS technique. *Rural Research*, 5(20): 809-826. (Persian)
9. Hakimian, A. (1992). Poverty alleviation in the framework of national strategy for protection of environment. *Environmental Organization*, 5(1). (Persian)
10. Iran nomadism affairs Organization. (2011). Evaluation of the effects of nomadic settlement in Iran, Study office. (Persian)
11. Nomads Affairs Organization of Iran (2005a). Nomads regulation code, No. 18688/p. 32467. (Persian)
12. Nomads Affairs Organization of Iran (2005b). Transformation document for development of nomadic society in Iran. Development Dept., Office of Comprehensive Studies. (Persian)
13. Nomads Affairs Organization of Iran (2006). Nomads villages in Iran. Development Dept., Office of Comprehensive Studies. (Persian)
14. Nomad Board of Chaharmahal and Bakhtiari Province (2015). Statistics and information of Chaharmahal and Bakhtiari province of Iran. Deputy of Civil Affairs, Office of Statistics and Information. (Persian)
15. Kalantari, Kh. (2012). Quantitative models in planning (regional, urban and rural). Tehran: Farhang-e Saba. (Persian)

16. Lahsaeizadeh, A. (1989). Immigration theories. Tehran: Navid Publication. (Persian)
17. Mahdavi, M., Rezaee, P. and Khani, F. (2009). Measuring the attitudes of settled nomads towards the settlement in Chaharmahal-and-Bakhtiari province of Iran. *Village and Development*, 12(3): 137-162. (Persian)
18. Mahdavi, M., Rezaee, P. and Ghadiri Masoum, M. (2007). Villages originating from the settlement of nomads and their challenges in Iran. *Village and Development*, 10(1): 41-61. (Persian)
19. Moor, W.E. (1965). The impact of industry. Prentice Hall, Englewood Cliffs.
20. Olson, D.L. (2004). Comparison of weights in TOPSIS models. Department of Management, CBA. University of Nebraska. Lincoln, USA.
21. Parhizkar, A. (1997). Providing a suitable location model for urban centers with research in urban models and urban GIS, PhD in Geography and Urban Planning, Tarbiat Modares University. (Persian)
22. Poortaheri, M., Sojasi Ghidari, H. and Sadeghloo, T. (2010). Measurement and prioritization of social stability in rural areas using fuzzy ideal fixing based on similarity ranking technique (case study: Khodabandeh County). *Rural Researches*, 1(1): 1-2. (Persian)
23. Poormohammadi, M. and Asakereh, M. (2001). Evaluating the location of educational applications (elementary schools) in Shadegan County. *Urban Planning Research*, 3(9): 1-20. (Persian)
24. Ravallion, M. (1998). Poverty lines in theory and practice. LSMS Working Paper, No.133, World Bank.
25. Rezaee, P. (2007). Study of the emergence of emerging villages resulting from nomadic settlement policy (Chaharmahal and Bakhtiari province). PhD Thesis, Faculty of Geography, University of Tehran. (Persian).
26. Rezaei, P. (2016). Planning and organizing nomadic society in Iran. Yazd: Yazd University Publication. (Persian)
27. Rezvani, M., Sadeghloo, T. and Sojasi Ghidari, H. (2011). Assessing the degree of ruralism using the Fuzzy TOPSIS model (case study: Khodabandeh County). *Rural Researches*, 2(1): 1-31. (Persian)
28. Sarvar, H. (2002). Management and location of educational spaces using GIS for educational use (secondary schools) in Tehran's 7<sup>th</sup> district. Master's Thesis, Tarbiat Modares University, Tehran. (Persian)

29. Saidae, A. and Azadi, Y. (2014). Assessment of rural displacement in terms of location (case study: villages of Larini Olia and Larini Sofla, Fakhrabad, Ilam province). *Land Use*, 6(2): 239-258. (Persian)
30. Sharifipoor, R., Ahmadian, R. and Danekar, A. (2010). Determination and prioritization of locating criteria of new Pars city using a multi-criteria evaluation of location and application of hierarchical analysis. *Land*, 2(2): 51-65. (Persian)
31. Soltani, Gh. (1999). Economic appraisal of nomadic settlement of tribes in province of Fars. Tehran: Bureau of Studies on Nomadic Organization of Iran and the Institute for Social Studies and Research, Faculty of Social Sciences, University of Tehran. (Persian)
32. Statistical Center of Iran (2011). Results of census of nomads in Iran. Tehrab: Statistical Center of Iran. (Persian)
33. Tavakoli, J. (2004). The opinions and experiences of nomadic settlement. National Congress of Iranian Nomads, Tehran. (Persian)
34. Vagi, A. (1993). Income theories and models of social change. Translated by A. Gharoorizad, Tehran, Jahad University Press. (Persian)
35. Yoon, K. and Hwang, C.L. (1995). Multiple attribute decision making: an introduction. Sage, Thousand Oaks, CA.
36. Ziaeian Firouzabadi, P., Anvari, A. and Velaei, M. (2016). Classification of development level in villages of Marhamatabad rural district, Miandoab County. *Space Economy and Rural Development*, 4(14): 129-146. (Persian)
37. Ziaree, K., Eshghabadi, F., Mamdihi, A. and Farhodi, R. (2013). Modelling of Behavior Patterns for Work and Service Trips of Residents of Tehran. *Human Geography Research*, 45(1): 1-22. (Persian)